

چهارشنبه سوری

واژه اوستایی «یسنه» yasne که در زبان پهلوی به صورت جشن یا یسن yashn در آمده به معنی پرستش و ستایش است و در ایران پیش از اسلام به آیین نیایش دینی گفته می‌شد. در روزگار باستان، جشن‌های کوچک و بزرگی در نزد اقوام مختلف برپا می‌شد که همگی ریشه دینی داشتند. ایرانیان نیز از جمله پرستندگان برپادارنده این جشن بوده‌اند. آن چه که مایه پیدایی این جشن‌ها می‌شد، جهان‌بینی اساطیری مردمان باستان بود و آن چه، امروز به آن می‌پردازیم جشن چهارشنبه سوری است که در آخرین شب چهارشنبه هر سال مردم به آتش افروختن و پاس داشت شعله می‌پردازند، اگرچه این سنت دیرینه در نقاط مختلف کشور متفاوت است اما در مواردی مشابهت فراوان دارد.

آخرین شب چهارشنبه هر سال یکی از شب‌های بسیار دلپذیر و شیرین ما ایرانیان است در این شب مردم شادی فراوان و مجالس شادمانه برپا می‌کنند و آداب و مراسم مخصوصی انجام می‌دهند که از جهات دل‌انگیز و زیباست. این آداب و رسوم در هر نقطه و شهری رنگی مخصوص به خود می‌گیرد و مطابق ذوق و سلیقه هر محل به طرز خاصی انجام می‌گیرد. در تمام شهرها و روستاها، ایرانیان آتش می‌افروزند و با خواندن اشعار شیرین و گرفتن فال و انجام مراسم دیگر نحوست و بدبختی و پلیدی را از خود دور می‌کنند و در عوض خوشبختی و تندرستی و طالع نیک برای خود آرزو می‌کنند. از آن‌جا که آتش از روزگاران بسیار پسین در نزد ایرانیان مقدس و مظهر فروغ یزدان بوده است، ایرانیان معتقدند که قبل از تحویل سال باید آتش افروخت و زشتی‌ها و پلیدی‌های سال کهنه را سوزانید و مسکن خود را از نحوست پاک کرد. اما در باب این‌که چرا ایرانیان شب چهارشنبه را برای این کار انتخاب کرده‌اند روایات مختلفی است ولی آن چه بیشتر مشهور است و تقریباً خیلی‌ها به آن معتقدند این است که مختار وقتی از زندان خلاصی یافت و به خون‌خواهی شهدای کربلا قیام کرد، برای این که دوست و دشمن را از هم تمیز دهد و بر کفار بتازد دستور داد که شیعیان بر بالای بام خانه خود آتش روشن کنند و این شب مصادف با آخرین شب چهارشنبه سال بود و از آن به بعد مرسوم شد که ایرانیان آخرین شب چهارشنبه آخر سال آتش‌افروزی اجرا کنند.

گروهی دیگر عقیده دارند آتش‌افروزی شب چهارشنبه آخر سال علت دیگری داشته است و آن این که آتش‌افروزی در پیشانی نوروز از آیین دیرین است و همه جشن‌های باستانی با آتش که فروغ ایزدی است پیشواز می‌شود. شک نیست که افتادن این آتش‌افروزی به شب آخرین چهارشنبه سال پس از اسلام است چه ایرانیان شنبه و آدینه نداشتند هر یک از دوازده ماه نزد آنان بی‌کم و بیش سی روز بوده و هر روز به نام یکی از ایرانیان خوانده می‌شد چون هرمزد روز - بهمن روز - اردیبهشت روز و جز اینها. روز چهارشنبه یا یوم‌الاربعه نزد عرب‌ها روز شوم و نحسی است. شعر منوچهری گویای همین روز تنگی و سختی و شومی است:

چهارشنبه که روز بلاست باده بخور

به ساتکین می‌خور تا به عافیت گذرد
این است که ایرانیان آیین آتش‌افروزی پایان سال خود را به

شب آخرین
چهارشنبه
انداختند تا
پیش آمد سال نو از
آسیب روز پلیدی
چون چهارشنبه
برکنار ماند.
آداب چهارشنبه
سوری بر دو قسم
است یکی آداب
عمومی که همه در
آن شرکت می‌کنند
و مهم‌ترین آن‌ها
آتش‌افروزی در
شب مزبور است و
دیگر آداب

خصوصی که مخصوص زنهاست و مردها حق شرکت در آن را ندارند.

مراسم عمومی در شب چهارشنبه سوری نزدیک غروب آفتاب هفت بوته یا سه بوته آتش در وسط کوچه و یا در صحن حیاط می‌گذارند و به اصطلاح بوته روشن می‌کنند، سپس پیر و جوان و کوچک و بزرگ از روی بوته‌های آتش می‌پرند و برای دفع پلیدی‌ها این شعر را می‌خوانند:

زردی ما از تو سرخی تو از ما

زن‌هایی که بچه کوچک و شیرخوار دارند بچه‌های قنداقی را در بغل گرفته شادی‌کنان، هلهله‌زنان آن‌ها را از روی آتش رد می‌کنند و پس از پایان مراسم، آتش را می‌گذارند تا آخر بسوزد، زیرا خاموش کردن آتش و فوت کردن آن را بد می‌دانند، وقتی آتش تا آخر سوخت و خاکستر شد در جایی می‌ریزند تا باد ببرد.

این مراسم تقریباً در تمام ایران با مختصر تفاوتی اجرا می‌شود و تفاوت آن بیشتر در شعری است که موقع پریدن از روی آتش خوانده می‌شود. وقتی مراسم پریدن از روی آتش به پایان رسید، اهل خانه دور هم جمع می‌شوند و شادی می‌کنند و آجیل و شیرینی می‌خورند این آجیل که به آجیل چهارشنبه سوری یا آجیل بی‌نمک موسوم است تشکیل می‌شود از انجیر و کشمش و خرما و توت خشک و فندق و پسته و بادام خام و امثال آن و معتقدند که خوردن آجیل بی‌نمک در شب چهارشنبه آخر سال شگون دارد و نیز برای تکمیل عیش و سرور خود در صورت داشتن استطاعت در هر منطقه از کشور بنا بر رسوم و آداب خود پلویی مخصوصی درست می‌کنند و مقداری از آن را برای اقوام نزدیک خود مانند دختر و نوه و عروس که در خانه دیگر مسکن داشته باشند می‌فرستند در این شب مراسم دیگری هم اجرا می‌شود که خصوصی است و به وسیله زن‌ها انجام می‌شود و مردان حق شرکت در آن را ندارند. مراسم خصوصی زن‌ها بیشتر مربوط به گرفتن حاجت و بخت‌گشایی دختران و رفع درد و بلاست.

دیگر از آدابی که در شب چهارشنبه سوری مرسوم بود، فالگوش ایستادن زنان و فال گرفتن آنان به حال اجتماع در اتاق است.